روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۰ • ۱۳ ذی‌القعده ۱۴۳۲ • ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱ • سال نهم

شماره پیاپی ۱۳۶۵ • شماره ۴۴۱ دوره جدید • ۲۰صفحه • ۶۰۰ تومان



معصومه ابتکار در گفت‌وگو با «شرق»:

منشاء بسیاری از معضلات مماشات با تخلفات است

گروه جامعه: عضو اصلاح‌طلب شورای شهر تهران معتقد است منشاء بسیاری از معضلات کلان و اساسی که امروز با آن درگیر هستیم، بحث اجرای عدالت است زیرا نمی‌شود به این مقوله نگاه جناحی و باندی داشت و یک طیف را ذاتا سالم و درست دانست....

صفحه ۱۳



یادداشتی از علی دهباشی

شفیعی‌کدکنی زبان روزگار ما

محمدرضا شفیعی‌کدکنی (متولد ۱۹مهر ۱۳۱۸) از استثناءهایی است که توانسته دو هنر متناقض را در وجود خویش جمع کند: شاعری و محققی را. طرفه آنکه در هر دو نیز بسیار مهارت دارد. سخت است باور کردن اینکه ببینی محققی که ساعت‌ها و روزها در پی یک ارجاع...

صفحه آخر

تیترها

«یاتا» همکاری با ایران را تعلیق کرد

هما: دنبال راهکار هستیم

صفحه ۴

یک بار دیگر در سکوت خبری برگزار شد

نشست ۱۶۰ دقیقه‌ای سران قوا در بهارستان

صفحه ۲

واکنش تند مسکو به شکایت تهران

لاوروف: ایران سند ندارد

صفحه ۲

صفاریان و شهنازدار آزاد شدند

گشایش در پرونده مستندسازان

صفحه ۱۵

در صفحات

صلح جهانی
کارتون جمال رحمتی /صفحه آخر

از فرانکفورت تا تهران
گفت‌وگو با خسرو ناقد /صفحه ۱۴

ادراک بی‌زمانی در ۷ دقیقه
کلانتری، دبیری، نصراللهی و نادر سیحون /صفحه ۱۱

به گذشته هم نگاه کنیم
گفت‌وگو با رویا افشار /صفحه ۹

سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرد

بازداشت موقت ۱۴نفر در پرونده فساد مالی بزرگ

■ اژه‌ای: رحیمی از من شکایت کرده است

گروه سیاسی: بیستمین نشست خبری سخنگوی قوه‌قضاییه اگرچه باز هم تحت تاثیر پرونده فساد مالی عظیم اخیر قرار گرفت و محسنی‌اژه‌ای به عنوان ناظر این پرونده به سوالات متعدد خبرنگاران در رابطه با این موضوع پاسخ داد؛ اما خبر شکایت رحیمی از وی که چند روز پیش از زبان وکیل معاون اول رییس‌جمهور هم بیان شده بود، نیز از نگاه کنجکاو خبرنگاران پنهان نماند.

هر چند که سخنگوی قوه‌قضاییه در ابتدا از خبرنگاران خواست که سوالات مرتبط با پرونده فساد مالی اخیر را مطرح و سپس سوالات غیرمرتبط را بیان کنند؛ اما خبرنگاران در لابه‌لای سوالات مربوط به این پرونده، از اژه‌ای پرسیدند که آیا صحت شکایت رحیمی را تایید می‌کند؟ سخنگوی قوه‌قضاییه نیز با تایید شکایت رحیمی از وی، دلیل این شکایت را این‌گونه توضیح داد: یک‌بار در خلال جلسه سخنگوی قوه‌قضاییه خبرنگاری از من پرسید که آیا اتهامی متوجه رحیمی است یا خیر، من هم گفتم براساس اظهارات دیگران اتهام متوجه آن شخصی که شما نام بردید است؛ اما باید احضار شود، تحقیق شود و سپس درباره اینکه وی جرمی مرتکب شده یا خیر مطلبی عنوان کرد. ایشان هم به همین دلیل از من شکایت کرده است. خبر شکایت معاون اول رییس‌جمهور از سخنگوی قوه‌قضاییه را چند روز پیش سیدعلی‌اصغر حسینی، وکیل رحیمی و مشایی در گفت‌وگو با «شرق» هم مطرح کرده بود. اما اژه‌ای روزگذشته با تاکید بر اینکه موضوعی که باید بررسی شود، این است که در این پرونده عده‌ای از افراد قصور مرتکب شده بودند، عده‌ای تقصیر دارند که نتیجه‌اش این شده که امروز چنین فسادی را شاهد باشیم اما رسیدگی به تقصیر و قصور مجزا و باید با دقت انجام شود، اظهار داشت: باید بررسی شود چه کسی ضعف مدیریتی داشته، چه کسی سهل‌انگاری کرده و چه کسی خدایی ناکرده سوءنیت داشته تا خیانت مرتکب شود و باید دانست که به طور مسلم همه افراد خود را مبرا از چنین اتهاماتی می‌دانند در صورتی که باید بررسی‌های دقیقی شود و نتیجه آن مشخص شود.

نکته

حضور ذهن ندارم که اصلا درباره خاوری استعلام شده یا خیر یا اینکه جواب استعلام چه بوده اما اگر مسوولان اجرایی با علم به اینکه خانواده این فرد بیرون از کشورند به او مسوولیت داده‌اند قطعا کار اشتباهی کرده‌اند

ادامه در صفحه ۲

سنایی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفت‌وگو با «شرق»:

روسیه «قارداش» ایران نیست

گروه سیاسی، سروش فرهادیان: به هر جای زندگی «مهدی سنایی» از سال ۱۳۷۶ نگاه می‌کنی به یک کلمه ختم می‌شود؛ «روسیه.» چهار سال زندگی در روسیه، گرفتن دکترای علوم سیاسی از روسیه، رییس هیات دوستی پارلمانی ایران و روسیه، مذاکره بر سر پرونده هسته‌ای ایران در روسیه و مدیر گروه مطالعات روسیه. گفت‌وگوی ما با عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس اما به جز روسیه راجع به «ترکیه» هم بود و مگر می‌شود از ترکیه حرف زد و به «سوریه» نرسید. در میانه گفت‌وگو یک مرکز مطالعات روسی به نماینده نهاوند در مجلس شورای اسلامی زنگ زد و چند دقیقه‌ای در مورد پرونده هسته‌ای ایران که همین چند وقت پیش با پیشنهاد طرح «گام به گام» روسیه و بعد هم نامه‌نگاری‌های مرسوم بعد از مدت‌ها سر زبان‌ها آمده گفت‌وگو کردند. سنایی به مصداق بارز «مثل بلبل»، روسی حرف می‌زد؛ با ما اما فارسی گفت‌وگو کرد. از سنایی پرسیدم که چرا مردمان ایران، روس‌ها را دوست ندارند و چگونه می‌شود ترکیه که تا دیروز رفیق استراتژیک جمهوری اسلامی بود یک دفعه دنیای رفاقت را رقابتی می‌بیند.

گویاماه‌عسل روابط ایران و ترکیه به پایان رسیده است.

طبیعی است؛ چون یکی از ویژگی‌های ماه‌عسل این است که بالاخره باید تمام شود. اگر هم یک‌ماهه تمام نشود یکی، دو ساله تمام می‌شود دیگر. البته دو کشور ناچار به همکاری هستند؛ یعنی ضرورت‌هایی وجوددارد که این همکاری را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. ویژگی‌هایی در سیاست خارجی ترکیه هست که به نزدیکی رابطه با ایران کمک‌می‌کنند.

چه‌ویژگی‌هایی؟

حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در حال حاضر در ترکیه سر کار است و تمایل زیادی به ارتباط با جهان اسلام دارد. از سوی دیگر ترکیه سیاست خارجی عملگرایی دارد که بر اساس منافع این کشور عمل می‌کند که منافع زیادی در همکاری با ایران دارد. پس باید نتیجه گرفت اگر اخیرا مناقشاتی پیش آمده خیلی نباید ادامه پیدا کند.

ولی موضوع این است که پیچ شل و سفت کردن روابط ایران و ترکیه همواره در دست طرف ترک است؟

بله. چه آنجایی که روابط خیلی گرم می‌شود و چه حالا که ابتکار عمل در دست ترکیه است.

قرار داشتن ابتکار عمل روابط چه زمانی که به سردی گراییده می‌شود و چه زمانی که روابط خیلی حسنه‌ای وجود دارد مخصوصا در شش سال گذشته به چه دلیل است.

حزب عدالت و توسعه که در حال حاضر در این کشور قدرت را در دست دارد از ایدئولوژی برخوردار است و اعضای این حزب عمیقا به اسلام اعتقاد دارند و متشرعند ولی در دیپلماسی بسیار عملگرا هستند. هم منافع ترکیه را خوب تشخیص می‌دهند و هم اینکه به راحتی تاکتیک عوض می‌کنند. شاید بشود گفت که یکی از کشورهایی که الان در جهان به خوبی بازی برد - برد را به کار گرفته، ترکیه است. با اروپا، ناتو، آمریکا، روسیه، جهان عرب و ایران در موقعیت برد - برد قرار دارد. بزرگ‌ترین اشکالی که می‌شود به فضای کنونی میان ترکیه و ایران وارد دانست، خروج ترک‌ها از موقعیت برد - برد در مواجهه با ایران است.

نکته

ترکیه گمان می‌کند لحظه تعیین‌کننده برای نشان‌دادن رهبری‌اش بر منطقه فرا رسیده به همین دلیل نشان می‌دهد دیگر هیچ رقیبی را نمی‌پذیرد آن هم در حالی که جمهوری اسلامی یکی از قدرت‌های اصلی منطقه است



اما من جواب سوالم را نگرفتم که چرا همواره ابتکار عمل دست طرف ترک است و هیچ‌وقت فرمان را در دست ایران نمی‌بینیم.

دلایل مختلفی دارد. ترکیه روابط خوبی با غرب دارد و محدودیت‌هایش خیلی از ما کمتر است. در حالی که جمهوری اسلامی با اروپا و آمریکا مشکلات زیادی دارد و عملا امکان مانور بیشتری در سیاست خارجی نداریم. ضمن اینکه عملگرایی در دیپلماسی ترکیه خیلی جدی است. در نتیجه امکان چرخش بیشتری بر اساس موانع وجود دارد.

یعنی دیپلمات‌هایشان دیپلماتیک‌تر از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی رفتار می‌کنند؟ این به دلیل عدم وجود استراتژی و طرح و برنامه مشخص و بلندمدت در سیاست خارجی ایران نیست؟

اتفاقا من فکر می‌کنم که سیاست خارجی‌مان در استراتژی مشکلی ندارد و بیشتر در اجرا با مشکل مواجه هستیم.

یکی از ویژگی‌های امروز جامعه بین‌الملل متغیربودن آن است. بنابراین باید خیلی با سرعت به دنبال حوادث حرکت کرد و انعطاف‌پذیر بود.

در سرد شدن روابط بین دو کشور در چه زمینه‌ای ایران عمل کرده است؟

دو عامل اصلی موجب دوری ایران و ترکیه شده. یکی اینکه ترکیه چنین تلقی می‌کند که زمان ایجاد هژمونی اصلی و تبدیل شدن این کشور به قدرت اصلی منطقه فرارسیده، پس بر این اساس رفتار می‌کند.

ادامه در صفحه ۳

حرف اول

اقدام سیاسی «یاتا»

محمدرضا خوشنویسان*

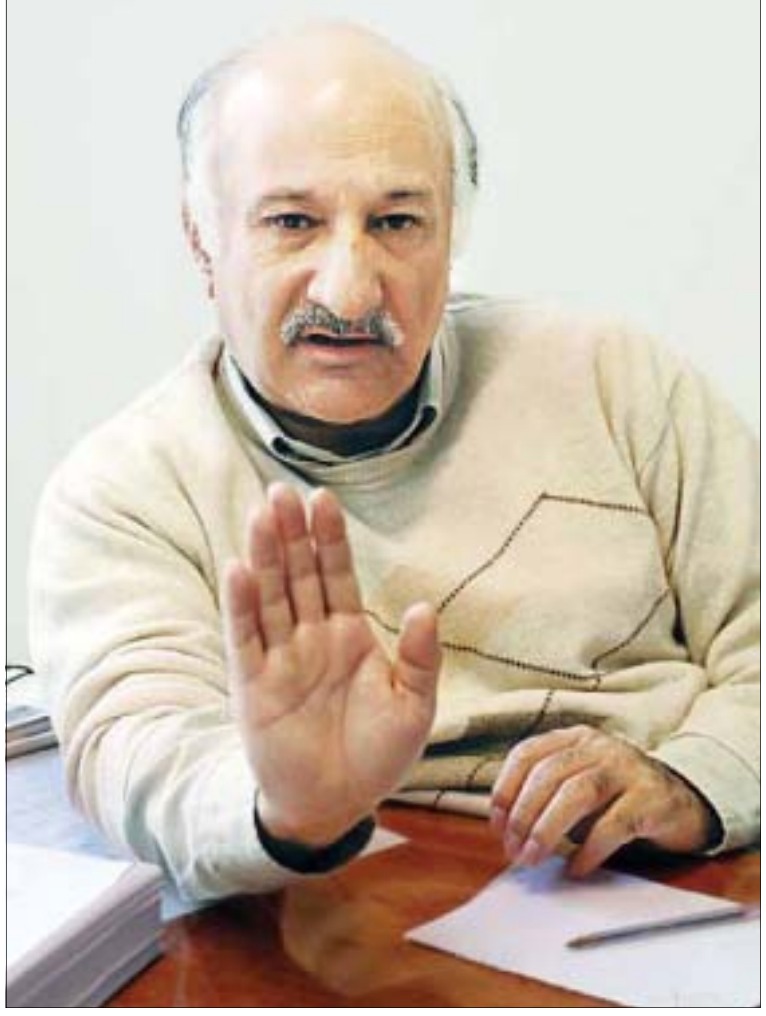


ما در جهانی زندگی می‌کنیم که روابط و مراودات تجاری و اقتصادی نمی‌توانند فارغ از مسایل سیاسی پیگیری شوند. کمااینکه خللی که در مراودات میان «یاتا» و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران «هما» به وجود آمده، نه نتیجه عملکرد هما، بلکه به دلیل رفتار خصومت‌آمیزی است که علیه نظام جمهوری اسلامی وجود دارد. توضیح آنچه پیش آمده شاید چندان پیچیده نباشد. «یاتا» به دلیل نامه‌ای که از سوی اداره کنترل سرمایه‌های خارجی، از زیرمجموعه‌های اداره خزانه‌داری آمریکا دریافت کرده، ارایه بخشی از خدمات خود به هواپیمایی جمهوری اسلامی را تعلیق کرده است. در نامه «یاتا» اشاره مستقیمی به تخلف «هما» نشده است و «یاتا» با استناد به دستورالعمل اداره کنترل سرمایه خارجی خزانه‌داری آمریکا تعلیق را علیه ایران اعمال کرده است. عضویت در اتاق تهاتر، خدمات فروش BST و خدمات فروش بار سه خدمت عمده‌ای هستند که به تعلیق در آمده‌اند. البته لحن نامه دبیرکل «یاتا» خطاب به مدیرعامل هما و نیز ابراز امیدواری ایشان برای رفع مشکلات پیش آمده نشان‌دهنده این نکته است که آنها سعی دارند همکاری با «هما» به‌عنوان یک «عضو» قدیمی یاتا ادامه یابد، چنانچه واژه‌ای که در نامه ارسال شده از سوی یاتا آمده، تاکید بر «تعلیق» خدمات دارد و نه «قطع» آنها. به این ترتیب ما همچنان عضو هستیم. «یاتا» با این حال تا رفع این مشکل «هما» در ارایه برخی از خدمات به مسافران خود با مشکلاتی مواجه خواهد بود. خروج از اتاق تهاتر روند بدرقه مسافر تا مقصد نهایی را با مشکل مواجه خواهد کرد. بنابراین مسافرانی که برای رسیدن به مقصد نهایی باید از دو خط هوایی استفاده کنند دیگر نمی‌توانند بلیت پرواز دوم خود را از دفاتر خدماتی هما دریافت کنند. تنها پنج درصد از درآمدهای «هما» از محل این خدمات فروش تامین می‌شود. اما دو نکته در این میان قابل توجه است. اول، «یاتا» به‌عنوان سازمانی که خود را از جمله نهادهای غیردولتی جهان می‌داند اینک به واسطه یک دستورالعمل دولتی، سیاست کاری‌اش را تغییر داده که این رخداد، قابل انتقاد است و چنین تصمیمی برای این نهاد باسابقه قابل دفاع به حساب نمی‌آید و بهتر است این سازمان اقدامات مقتضی را برای رفع آنچه پیش آمده به انجام رساند. نکته دوم اینکه در حال حاضر تمام تلاش ما این است که حواشی این اتفاق را محدود کنیم و نگذاریم ارتباط‌مان با اجزای دیگر سازمان مختل شود. هواپیمایی «هما» سعی دارد در تعامل با دبیرکل «یاتا» مشکلات پیش آمده را برطرف کند، اما بی‌شک اتفاقاتی که ریشه‌اش در تخاصمات استکبار جهانی علیه کشورمان است، نیاز به در پیش گرفتن سیاست‌ها و پاسخ‌های هوشمندانه دیپلماتیک دارد.

*معاون بازرگانی و عملیات هما

اقتصاد ایران در گفت‌وگو با طبیبیان

رانت‌خوارها سد راه اصلاحات اقتصادی هستند



عکس: عباس کوثری، شرق

گروه اقتصاد، رضا غیبی: توسعه در ایران به رویایی تبدیل شده است و این را همه اقتصاددان‌ها می‌دانند و تایید می‌کنند، منتها هرکدام از آنها متفاوت با دیگری توسعه‌نیافتگی را ارزیابی می‌کند و محمد طبیبیان، چهره برجسته اندیشه اقتصادی بیش از هرچیز و هرکس چپ‌ها و سنتی‌ها را در پانگرفتن توسعه مقصر می‌داند. البته ایده او و موضع‌گیری‌هایش بارها مطرح شده است و هنوز هم او با قاطعیت و با کلامی نیش‌دار این دو گروه را می‌راند و عاملان اصلی توسعه نیافتگی معرفی می‌کند. گفت‌وگو با محمد طبیبیان ساده و یکنواخت نیست چون هم عصبانی شدن را می‌داند و هم خندیدن را آموخته است. اخلاق خوب طبیبیان حتی یک گفت‌وگوی پرچالش با او را به ساعتی شیرین تبدیل می‌کند. او برای گفت‌وگو میهمان روزنامه ما بود. از اینکه گفت‌وگو با ما را پذیرفت یک بار دیگر سپاس خود را اعلام می‌کنیم. طبیبیان در مقابل این ادعا که سیاست‌های اقتصادی امروز (نظیر هدفمندسازی یارانه‌ها) فرزند اندیشه‌های اقتصادی دوران تعدیل هستند با قاطعیت واکنش نشان داد و هرگونه ارتباط فکری میان برنامه‌های اقتصادی امروز و دوران تعدیل را مردود دانست. البته این یک واقعیت است که اقتصادی‌های امروز رویای اقتصادی‌های تعدیل را جامه عمل می‌پوشانند ولی استاد طبیبیان معتقد است که حتما تعدیل در صورت پیروزی، نمایی متفاوت با صورت اقتصادی امروز داشت. متن مصاحبه با محمد طبیبیان در ادامه آمده است:

چرا اقتصاد ایران از مسیر توسعه دور افتاده است؟

قبل از اینکه بخواهیم این سوال را به عنوان یک واقعیت بپذیریم و به آن جواب دهیم، باید دنبال شواهدی برای رد یا قبول آن باشیم. ما به نسبت به برخی از کشورهایی که ۳۰سال پیش از آنها جلوتر بودیم، در دو دهه اخیر رشد کمتری داشته‌ایم. برای مثال کشورهایی مثل مالزی، اندونزی و کره‌جنوبی که قبل از انقلاب اصولا خیلی از ما عقب‌تر بودند از نظر تولید سرانه ملی و برخی از شاخص‌های دیگر توسعه انسانی یا کشورهایی مثل امارات شیخ‌نشین حاشیه خلیج‌فارس به شدت از ما جلو افتاده‌اند. کشوری مثل دوبی که منابع نفتی هم ندارد درآمد سرانه‌اش شاید شش تا هشت برابر درآمد سرانه ما باشد. ترکیه که در حال پیشی گرفتن از ما است هم از نظر وزن اقتصادی در منطقه و هم از نظر وزن سیاسی و دیپلماتیک، نقش قابل‌توجه و مهمی ایفا می‌کند. هند که کشور بسیار فقیری بوده دارای رشد پایدار اقتصادی است و پیش‌بینی می‌شود که از وزن سنگین‌تری در تعادل‌های جهانی برخوردار شود. مورد رشد اقتصادی و پیشرفت چین نیز که برای همگان شناخته شده است. در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل برای سال ۲۰۱۱ رتبه ایران در بین ۱۳۵ کشور جهان ۶۹ محاسبه شده است در صورتی که رتبه ترکیه ۶۲ است. این در حالی است که ما در سال‌های اخیر از درآمد ارزی بی‌نظیری برخوردار بوده‌ایم. بنابراین می‌توانیم برای این سوال شواهدی پیدا کنیم. برای پاسخ به این پرسش نمی‌توان صرفا به وجه اقتصادی توجه کرد بلکه لاجرم وجوه تاریخی و فرهنگی نیز در این بحث وارد می‌شود. به نظر من با پیروزی انقلاب دو جریان فکری در داخل کشور با یکدیگر همگرا شدند که با آنچه به‌طور متعارف توسعه اقتصادی می‌نامیم میانه خوبی نداشتند. یکی از این جریانات فکری در واقع تفکر سنتی و دیگری ویرایش وطنی تفکر چپ بود. خط فکری با نفوذ، مهم و با قدرتی که فرهنگ سنتی ما آن را حمل می‌کرد اصولا با توسعه میانه‌ای نداشته و ندارد. هنوز هم سخنگویان این گروه می‌گویند که پیشرفت ممکن است از لحاظ دیگری برای ما زیانبار باشد. گروه چپ در اصل با توسعه مخالف نبود و هنوز هم نیست ولی عملا خط‌مشی‌هایی که از اول انقلاب توسط این گروه اتخاذ یا حمایت شد، اغلب قرابت و نزدیکی‌ای به خط‌مشی‌ها و تمایلات کمونیستی داشت و حالت رقیق‌شده‌ای از آن بود. این خط، لاجرم گرچه نه در شعار و نیت ولی در عمل همان نتیجه مشابه مخالفت با توسعه را به دست داد. یعنی حتی اگر در دل‌شان هم می‌خواست کشور توسعه پیدا کند آن نوع اندیشه، اندیشه‌ای نبود که بتواند زمینه‌ای برای توسعه فراهم کند. یک ضعف بارز این اندیشه را می‌توانیم دربرداشت آنها از پارادایم کانونی کارکرد اقتصاد بدانیم. می‌بینیم که کشورهایی مثل کره‌جنوبی، مالزی، سنگاپور، تایلند و بعدها هند و چین که در حد خودشان پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای داشته‌اند در یک نکته مشترک هستند: اتخاذ مکانیزم قیمت و بازار در امر تخصیص منابع و اتخاذ سیاست برون‌نگر و صادرات‌محور در امر تجارت خارجی که این دو ضرورتا احترام به مالکیت‌خصوصی ـ چه حقوق مالکیت مادی چه حقوق مالکیت معنوی ـ و پیگیری دیپلماسی دوستانه و خردگرا در صحنه بین‌المللی را ایجاب می‌کرد. ملاحظه می‌کنیم حتی چین که رسما کمونیست است ابتدا در مناطق آزاد و بعد از آن سایر مناطق همین سیاست کانونی را برگزید. توسعه این کشورها بر مبنای اتخاذ مکانیزم بازار آزاد و توسعه برون‌نگر بود و این دقیقا سیاستی بود که چپ‌های ما کلا آن را نفی می‌کردند و هنوز نیز گرچه خصوصی این پارادایم را می‌پذیرند ولی رسما اعلام نمی‌کنند. یعنی توسعه را دوست داشتند ولی مبنای ناگزیر برای رسیدن به آن را قبول نداشتند. عاملی که کشورهای در حال توسعه در سه دهه اخیر از آن به طور موفقیت‌آمیز استفاده کردند تمرکز روی سیاست صادرات بود در حالی که جناح چپ ما و خط دیگر یعنی همان سنت‌گراها روی خودکفایی متمرکز بودند. اگر روزنامه‌های دهه ۱۳۶۰ را مرور کنید متوجه می‌شوید که همواره در مورد خودکفایی و کاهش وابستگی صحبت می‌شده است.

ادامه در صفحه ۵

سرمقاله

سرمایه‌داری و دشمنانش

داوود محمدی



۱- کارل مارکس با تقسیم تاریخ بشری به دوران کمون اولیه، برده‌داری، فئودالی، سرمایه‌داری و کمونیسم و نیز تاکید بر اینکه «تاریخ همه جوامع تاکنون، تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است»، یکی از پرنفوذترین و بحث‌برانگیزترین مکاتب فلسفی جهان را بنیان گذاشت. هنگامی که این اندیشمند کم‌نظیر در سال ۱۸۸۳ درگذشت، «مارکسیسم» در میان متفکران ریشه دوانده بود و به فاصله اندکی در رده برترین و بحث‌برانگیزترین مکاتب نظری جهان قرار گرفت.

مارکسیست‌ها که خود را به محکی دقیق برای تبیین تاریخ کشورها و پیش‌بینی تحولات جوامع بشری مجهز می‌دیدند، مشتاقانه منتظر تحقق ارزیابی مارکس درباره گذر از سرمایه‌داری و ورود به کمونیسم و حاکمیت پرولتاریا بودند تا در آخرین ایستگاه تاریخ قدرت را تصاحب کنند. اما این انتظار طولانی شد و مقصود حاصل نشد، در نتیجه مارکسیست‌ها سر دوراهی قرار گرفتند: اول، وداع با مارکسیسم به دلیل ناکارآمدی تئوریک آن در جهان عینی. دوم، شناسایی دلایل عدم تحقق مبانی تئوریک مارکسیسم در زمینه سقوط سرمایه‌داری توسط کارگران و استقرار کمونیسم. قاطبه متفکران مارکسیست با تأسی از الزامات گزینه دوم، تلاش بی‌وقفه‌ای را با هدف گشودن این گره آغاز کردند تا مشخص شود چرا با وجود تطبیق مبانی تحلیلی مارکسیسم با وضعیت جوامع سرمایه‌داری، نتیجه مطلوب حاصل نشده و از انقلاب پرولتری نشانی نیست؟ آنان هرچه کاویدند، دستیابی به پاسخ جامع را دور از دسترس‌تر دیدند. تا اینکه در اواخر قرن نوزدهم اندیشمندی جوان از روسیه معما را گشود و پاسخی قانع‌کننده در برابر این سوال قرار داد.

لنین پس از مطالعات بسیار به این نتیجه رسید که مارکس، ناخواسته بیشترین خدمت را به سرمایه‌داری کرده. زیرا هنگامی که پاشنه آشیل‌های نظام سرمایه‌داری زیر ذره‌بین مارکسیسم قرار گرفت، سرمایه‌داران هم توانستند خطر سقوط حتمی را با پوست و گوشت خویش لمس کنند و برای در امان ماندن از چنین فرجام هراسناکی ترجیح دادند، به قیمت صرف‌نظر کردن از بخشی از منافع خود، رفاه کارگران و سایر طبقات محروم را افزایش نسبی دهند تا آنان را از خیزش انقلابی منصرف کنند. بر این اساس، نظام‌های سرمایه‌داری به ارتقای خدمات تامین اجتماعی و افزایش نسبی مزد کارگران تن داد و کوشید پرولتاریا را متقاعد کنند به دلیل بهره‌مندی از رفاه نسبی، هرگونه تلاشی با هدف تغییر وضع موجود، به زیان طبقه کارگر خواهد بود. در واقع مطابق تحلیل لنین، آموزه‌های مارکس هرچند در خودآگاهی و بیداری طبقه کارگر موثر بود اما هوشیاری طبقه سرمایه‌دار و تدابیر هوشمندانه این طبقه برای پیشگیری از رشد انگیزه‌های انقلابی کارگران، نتیجه ناخواسته طنین آژیر مارکسیسم بود. البته میزان عقب‌نشینی سرمایه‌داران در کشورها، متناسب با میزان احساس فشار و نیز درجه عقلانیت متفاوت بود اما در مجموع، تاثیر بازدارنده تدابیر سرمایه‌داری تا حدی بود که برخلاف پیش‌بینی مارکسیسم که وقوع انقلاب پرولتاریا در جوامع سرمایه‌داری را «جبر تاریخ» و گریزناپذیر می‌دانست، در هیچ کشوری که بتوان با ملاک‌های علمی آن را سرمایه‌داری تلقی کرد، انقلاب کارگری رخ نداد و دیکتاتوری پرولتاریا مستقر نشد و کشورهایی که به لطایف‌الحیل مقهور کمونیست‌ها شدند و در اردوگاه بلوک شرق دوران جنگ سرد جای گرفتند، کشور زیر سیطره سرمایه‌دار محسوب نمی‌شدند و در بهترین حالت ارزیابی، وضعیت «شبه سرمایه‌داری» بر آنها حاکم بود.

۲- جهان سرمایه‌داری که طی سالیان گذشته با بحران مالی خانمان برانداز مالی مواجه شد و توانست از این گرداب فاصله گیرد، اکنون با چالش معترضان خیابانی در شماری از کشورهای غربی رویاروی شده است، رخدادی که از سوی برخی ناظران به عنوان بارقه آغاز فروپاشی سرمایه‌داری تلقی شده است و در مقابل، گروهی نیز این رخداد را گذرا و فاقد اهمیت برای توجه می‌دانند. در تبیین چنین پدیده‌ای ابتدا باید یادآور شد نظام سرمایه‌داری به تعبیر مارکسیست‌ها همزاد بحران است و آنان به همراه برخی از منتقدان غیرمارکسیست سرمایه‌داری، امید بسته‌اند تا فرسایش مداوم این نظام در مرحله‌ای به سقوط آن منتهی شود.

ادامه در صفحه ۶

